

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی

گروه الهیات - تاریخ و تمدن ملل اسلامی

سیاست دولت شوروی نسبت به اسلام در آذربایجان

پایان‌نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته الهیات

گرایش تاریخ و تمدن ملل اسلامی

میرقاسم علی اف

استاد راهنما:

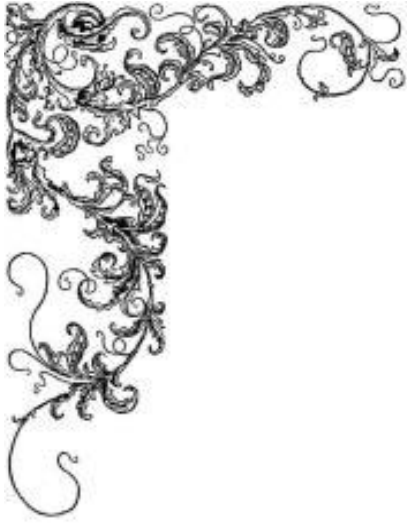
دکتر حسن حضرتی

استاد مشاور:

دکتر عباس برومند اعلم

اسفند ماه ۱۳۹۱

أ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
أَنْزَلَ هَذِهِ السُّورَةَ
وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمَعْنَى



تقدیم

به ساحت مقدّس و ملکوتی حضرت سید الشهداء (ع)

و

تقدیم به ارواح مطهر علمایی که در دوره شوروی در آذربایجان در راه تبلیغ و دفاع از دین شربت شهادت نوشیدند و تن به ذلت ندادند

و

تقدیم

به پدر و مادر عزیز و مهربانم که با تمامی آنچه که داشتند موجبات علم اندوزی مرا فراهم آورده و من هر آنچه که دارم مرهون زحمات و دعای خیر این بزرگواران است و بر عجز خود در جبران آن همه زحمات معترفم.

تقدیر و تشکر

سپاس خداوند متعال را که به من توفیق داد تا در محضر اساتیدی صاحب کمال به تحصیل سپردارم. از آنجا که اعتقاد بر این است که ((من لم یسکر المخلوق لم یسکر الخالق)) و باتاسی به این حدیث که ((من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً))

در این مقام و وظیفه خود می دانم که پاسکزاری ویژه ای داشته باشم از اساتید بزرگوار، جناب آقای دکتر حسن حضرتی و جناب آقای دکتر عباس برومند علم که این بزرگواران با تمام مشغله و مسئولیتی که داشتند بار اهنایی ما و مشاوره های ارزشمند و عالمانه خود، اینجانب را مورد لطف قرار داده و به من این امکان را دادند که از دیای علم و دانش ایشان به قدر وسع خود توشه برگیرم.

بچنین از سایر اساتید محترم گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) جناب آقای دکتر ولی الله بزرگر گلشیمی، جناب آقای دکتر محمد حسین فرجیها، جناب آقای دکتر محسن بهرام نژاد هم که در مدت تحصیل خویش از محضرشان بهره بردم تشکر و قدر دانی می نمایم.

از جناب آقای دکتر علیرضا اشتری تفرشی که به عنوان داور، زحمت مطالعه و ارزیابی این رساله را قبول نمودند، کمال تشکر و قدر دانی را

دارم.

از دوستان عزیز و برادران بزرگوارم جناب آقای دکتر رضارسولی شریانی، جناب آقای دکتر مهدی عبادی، جناب آقای دکتر احمد شیرزادی که در طول تدوین پایان نامه بخارنده را تشویق و یاری رسانند تشکر می نمایم.

چکیده

منطقه ای که امروز به عنوان جمهوری آذربایجان شناخته می شود، مشتمل بر مناطق شمالی رود ارس است که در دوره حمله روسها از ایران جدا شد و به قلمرو روسیه تزاری پیوست. فقط این، به این معنی دلالت نمی کند که روابط این منطقه با ایران که قبلاً یک زندگی مشترکی داشتند، قطع شد. ولی در عین حال، پس از انعقاد قرارداد "ترکمان چای"، آذربایجان تحت سلطه روسیه و بویژه در دوره شوروی و در زمینه ی سیاستهای ملی و مذهبی آنها یک مسیر متفاوتی طی خواهد می کرد.

در میان سیاستهای ملی و مذهبی این دو دولتی که از ماهیت اشغالگری شان نشأت گرفته است، هم شباهتهایی و هم تفاوتهایی وجود داشته است. وجه مشترکی که در میان اینها بوده است، این است که هر دو در مورد سیاست ملی به منظور ایجاد فرهنگ روسی در منطقه، سیاستهای "روسی سازی" اجرا کرده اند. و اما وجه تمایزی که بین این دو وجود داشته است، این است که روسیه تزاری بدلیل اینکه یک دولت مسیحی بوده است، سیاستهای "مسیحی سازی" اعمال کرده است. ولی دولت شوروی که مبتنی بر جهان بینی مادی و الحادی بوده است، طبق عقاید ماتریالیستی و آتئیستی خود در مورد مذهب سیاستهای "لامذهب سازی" اعمال کرده است. و این وضع موجب تغییرات و تحولات مذهبی و عقیدتی در جامعه ی اسلامی آذربایجان شده است.

حال اینکه سیاستهایی که دولت شوروی که مورد بحث ما است، در قبال مذهب عملی کرده چه تأثیری در جامعه ی اسلامی آذربایجان نهاد؟ و این که آیا آنان در پیگیری این سیاستها موفق شدند یا نه؟ عکس العمل جامعه، از جمله روشنفکران، علماء و روحانیون مسلمان در برابر این سیاستها و ماهیت و کیفیت سیاستهای شدید علیه اسلامی رژیم کمونیستی، وجود و یا عدم وجود تحولات عقیدتی و تخریب معنوی در جامعه ی اسلامی آذربایجان، این نوشتار در صدد بررسی و تبیین آن می باشد.

واژگان کلیدی: جمهوری آذربایجان، اسلام، دولت شوروی، سیاست مذهبی

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
فصل اول: جامعه آذربایجان و زمینه تاریخی هویت اسلامی	۳
۱-۱. ریشه های تاریخی هویت اسلامی	۳
۱-۱-۱. دوره صفویان	۴
۱-۱-۲. دوره خان نشین ها	۵
۲-۱. مدرنیسم و دین	۹
۱-۲-۱. سلطه روسیه تزاری و تنظیمات سیاسی جدید	۹
۲-۲-۱. رفرمهای دینی و نتایج آن	۱۲
۳-۱. احیای اسلامی و ملی در آذربایجان	۱۷
۱-۳-۱. به وجود آمدن طبقه روشنفکران	۱۷
۲-۳-۱. موضع روشنفکران نسبت به استعمار روسی و دین	۲۲
۳-۳-۱. پیدایش ایده های پان اسلامیسیم و پان ترکیسیم و پیوند آنها در آذربایجان	۲۵
۴-۱. روی کار آمدن شوروی	۲۸
فصل دوم: تنزل، پایداری و تغییرات در دین در آذربایجان شوروی	
.....	۳۱
۱-۲. سیاستهای خنثی سازی و جداسازی از نظام	۳۲
۲-۲. فعالیت "اتحاد بی خدایان مبارز" و سیاستهای ضد دینی آنها در آذربایجان	۳۶
۳-۲. بستن و تخریب مساجد و عبادتگاه ها با استفاده از روشهای اداری	۴۳
۴-۲. روشهای مبارزهٔ بلشویکها ضد جشنها و مراسمهای مذهبی در آذربایجان	۴۷
۱-۴-۲. مبارزه ضد "محرّمی" (مجالس عزاداری ایام محرم و صفر)	۴۷
۲-۴-۲. مبارزه ضد عیدهای رمضان و قربان	۵۵

۵۹	۲-۵. وضعیت روحانیت مسلمان بعد از انقلاب: فشار و تضيیقات و سرکوبی روحانیون
۶۷	۲-۶. سیاستهای قطع روابط مردم با فرهنگ دیرینه خود و جهان اسلام
۶۷	۲-۶-۱. بسته شدن مدارس دینی و قطع شدن روابط با مراکز دینی - علمی سنتی
	۲-۶-۲. تغییر الفبا: جدا ساختن مردم از فرهنگ دیرینه خود و سیاستهای
۷۲	تجريد از جهان اسلام و ترك
۷۴	۲-۷. شروع تغییرات در زندگی خانوادگی در آذربایجان بعد از انقلاب
	۲-۸. سیاستهای مذهبی رژیم شوروی در دوران جنگ جهانی دوم و پس از آن:
۷۹	اسلام رسمی به جای اسلام واقعی
۷۹	۲-۸-۱. اداره های روحانی و وظایف جدید
۸۱	۲-۸-۲. اسلام به عنوان یک آلت در سیاست خارجی
۸۶	۲-۹. ادغام و مطابقت در راه اسلام
۹۰	۲-۱۰. نیروی مقاومت دین (حافظه عمومی)
۹۱	۲-۱۰-۱. ادامه یافتن دین به عنوان "هابیتوس" (مجموعه آداب و رسوم)
۹۶	۲-۱۰-۲. هویت اسلامی: هویت موازی
۹۸	۲-۱۱. پناهگاه های دین
۹۹	۲-۱۱-۱. روابط خانوادگی، فامیلی و زندگی روزمره
۱۰۵	۲-۱۱-۲. زنان: محافظان آداب و سنن
۱۱۰	۲-۱۱-۳. اماکن مقدس و خانواده های مقدس
۱۱۴	۲-۱۱-۴. آیین های چرخه زندگی و مراسمهای دستجمعی مذهبی
۱۲۴	فصل سوم: دین در دوره استقلال
۱۲۵	۱-۳. دین در مسیر استقلال
۱۳۰	۲-۳. سیاستهای مذهبی دولت در آذربایجان مستقل
۱۳۶	نتیجه
۱۳۸	منابع و مآخذ

مقدمه

بلا فاصله پس از فروپاشی رژیم شوروی و استقلال آذربایجان، علاقه مردم این سرزمین نسبت به ارزشهای دینی به طور چشمگیری افزایش یافت. تعداد مساجد در اواسط سالهای ۲۰۰۰ م. به ۱۳۰۰ رسید، در حالیکه در دوره شوروی مساجدی که فعالیت داشتند، بیش از ۱۷-۱۶ تا عدد نبودند.^۱ ولی در روند این تغییرات، در جامعه‌ای که در طول حکومت ۷۰ ساله رژیم شوروی پژوهشهای اجتماعی قابل اعتمادی امکان پذیر نبوده است، تفسیر دقیقی از تحولات مذهبی و عقیدتی در جامعه آذربایجان در اثر سیاستهای رژیم کمونیستی که تمام قوای خود را در راستای از بین بردن دین و دین زدایی جامعه به کار برده اند، آسان نبوده است. در حقیقت، بدون تحلیل چند بعدی و عمیق روند تاریخی، به ویژه دوره شوروی درک وضعیت اسلام در آذربایجان دشوار است. و علاوه بر اینکه تعداد تحقیقاتی که موضوع اسلام در آذربایجان را مورد بررسی قرار داده، خیلی محدودند، در آنها بیشتر به توصیف رویدادها اکتفا شده است.^۲ برخی از تحقیقات بدون اتکا به تحلیلهای جدی در رابطه با روند تاریخی، سعی می‌کند رویدادهای روز را توضیح دهد.^۳ ولی ما در این پژوهش در پی آن هستیم که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، روند تاریخی جامعه، بخصوص دوره شوروی را بصورت جامع تحلیل کرده و وضعیت اسلام و مسلمانی را درک کنیم و یک تصویر کاملی از اسلام در آذربایجان به تصویر بکشیم.

نظریه‌ی^۴ جامعه شناس دین، دانیل هرویو-لژه فرانسوی برای فهم و توضیح اسلام در جامعه‌ی آذربایجان یک چهارچوب مفیدی را ارائه می‌دهد. لذا، در این پژوهش سعی کردیم نظریه‌ی مورد نظر را به این پژوهش تطبیق داده و از آن بهره برداری نماییم.

پژوهش با بررسی کردن منابع مکتوب، از جمله اسناد، روزنامه‌ها، مجلات، پرسشنامه‌ها، کتابهای تاریخی و اطلاعات به دست آمده از بخش عمده تحقیقاتی که تا امروز در این موضوع به زبانهای آذری، ترکی، روسی و انگلیسی انجام شده، صورت گرفته است.

پژوهش، شامل "مقدمه"، "نتیجه" و ۳ فصل اصلی می‌باشد. در فصل اول، ریشه‌های تاریخی هویت اسلامی در آذربایجان و تغییراتی که پس از اشغال منطقه توسط روسیه در اوایل قرن ۱۳ق/۱۹م تا دوره شوروی رخ داده است، مورد بحث قرار گرفته و عوامل مؤثر در تحقق تغییرات مورد نظر، از جمله روابط قومی، توسعه اقتصادی، حرکت مدرنیته و روند ملی‌گرایی بررسی شده است. در ضمن، آثار این تغییرات بر روی هویت دینی و این که

^۱. Arif Yunusov, *Azərbaycanda İslam*, Bakı: Zaman, ۲۰۰۴, s. ۲۰۲.

^۲. Məsələn, bax: Yunusov, a.g.e.; Musa Quluzadə, *Dinimiz Dünən və Bu Gün* (۱۹۲۰-۱۹۹۰), Bakı: Azərbaycan Ensiklopediyası, ۱۹۹۶.

^۳. Məsələn, bax: Svante E. Cornell, *The Politicization of İslam in Azerbaijan*, Washington&Uppsala: CACİ&SRSP Silk Road Papan, October ۲۰۰۶.

^۴. Daniele Hervieu-Leger, *Religion as a Chain of Memory*, (İng. dilinə çev. Simon Lee), Cambridge: Polity Press, ۲۰۰۰

هویت دینی چه قدر بر روی این تغییرات تأثیرگذار بوده است، مورد تحقیق قرار گرفته است. در فصل ۲، ابتدا سیاستهای مذهبی دولت شوروی که در راستای ایجاد یک جامعه‌ی آتئیستی اعمال کرده و آثار این سیاستها بر روی دین را بررسی کرده و به سوالاتی نظیر اینکه ارزشهای دینی در روند تاریخی‌ای که در محیط شوروی شکل گرفته است چه تأثیری داشته، دین در زندگی جامعه چه جایگاهی داشته و چگونه حفظ شده، جواب داده شده است.

در فصل ۳، تغییراتی که در دوره استقلال آذربایجان به وجود آمده و بعضی از بازتابهای اجتماعی این تغییرات مورد بحث قرار گرفته است.

فرضیه‌های اصلی تحقیق بدین قرار است:

۱. روابط ملی در منطقه در شکل‌گیری هویت دینی در آذربایجان (پس از زیر سلطه روسیه قرار گرفتن آن) نقش مهمی داشته است.

۲. دولت شوروی برحسب ایدئولوژی رسمی خود، دین در آذربایجان را مورد پاکسازی قرار داده و انواع مراجع مرتبط با باورها و زندگی دینی را حذف کرده است. و این وضع در شکل‌گیری هویت دینی نسل شوروی نقش مهمی ایفا کرده است.

۳. روند ملی‌گرایی‌ای که در دوره شوروی تشکل یافته است، در شکل‌گیری هویت دینی در آذربایجان مؤثر بوده است.

۴. بعضی از ویژگی‌های ملی- فرهنگی آذربایجان در حفظ باورهای دینی در دوره شوروی نقش مهمی اجرا نموده است.

با این که این پژوهش خالی از نقصان نیست، امید داریم که خلاء مهمی را که در این حوزه وجود دارد، تا حدودی پر کند.

فصل اول

جامعه‌ی آذربایجان و زمینه‌های تاریخی هویت اسلامی

۱,۱ ریشه‌های تاریخی هویت اسلامی

جمهوری آذربایجان مشتمل بر مناطق شمالی رود ارس است که در دوره حمله روسها از ایران جدا شد و به قلمرو روسیه تزاری متصل گردید. جمعیت این منطقه تا قرن ۵/۱۱م مرکب از بعضی از قبایل ترک-اغوز، پهلوی-پرس و قفقازی زبان بوده است. در قرن ۵/۱۱م همزمان با سلجوقها، مهاجرت مستمر ترکان نیز شروع شده و این وضع موجب تقویت ترکان در منطقه مورد بحث شده است. مهاجرت قبایل ترک-اغوز در دوره‌های بعدی هم ادامه داشته و در دوره ایلخانان، یعنی در سده های ۷-۸/۱۴-۱۳م ترکان به حکومت نزدیکتر شدند.^۱

آشنایی این منطقه با دین اسلام پس از فتح ایران به وسیله اعراب در قرن اول هجری صورت گرفته است. وجود بسیاری از شهرها و مراکز مسکونی در زمان ورود اسلام به آذربایجان توسط خود مورخین وقت هم گزارش شده است. همزمان با رونق پیدا کردن تمدن اسلامی، این شهرها و مناطق مسکونی نیز توسعه یافته و به صورت مراکز فرهنگی مهم در آمده‌اند.^۲ از این رو، مردم منطقه به فرهنگ محلی با اسلام آشنا نبودند و قبل از اسلام در اینجا یک فرهنگ محلی به عنوان یک بخشی از فرهنگ اصیل ایرانی وجود داشته است. در ضمن، قوی بودن هم فرهنگ محلی و هم فرهنگ اسلامی، عناصر مهم این دو را تحت تاثیر فرهنگ جدیدی که در دوره بعدی به وجود آمد، قرار داد.^۳

۱,۱,۱ دوره صفویان

چه در دوره قبل از اسلام و چه در دوره بعد از اسلام، این منطقه از لحاظ دینی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با ایران روابط خیلی نزدیکی داشته است. طبق گزارشات منابع تاریخی، در سده‌های ۹-۸/۱۵-۱۴م مذهب غالب این منطقه، مذهب شافعی بوده است.^۴ در اوایل قرن ۱۰/۱۶م پس از آن که مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی در ایران پذیرفته شد، تشیع در تمامی ایران و مناطق شمالی رود ارس بجز بخش شمالی آن به صورت مذهب رسمی در آمد. ولی این دوره چندان سیر طبیعی‌ای نداشته و یک دوران پر از حادثه بوده است. بخصوص در زمان شاه اسماعیل اول علاوه بر تبلیغات و اعطای امتیازات به روحانیونی که تشیع را می پذیرفتند، حتی از تحمیل و زور هم برای پذیرش تشیع استفاده می‌شده، و در نتیجه، برخی از مردم منطقه مجبور به قبول کردن تشیع شده، بعضی‌ها به کشورهای سنی فرار کرده و بعضی دیگر ایستادگی کرده اند.^۵

^۱ . Kerim Oder, Azerbaycan, İstanbul: Boğaziçi Yayınları, ۱۹۸۲, s. ۹۶-۹۹.

^۲ . Nailə Vəlixanlı, Ərəb Xilafəti və Azərbaycan, Bakı: Azərbaycan Nəşriyyatı, ۱۹۹۳, s. ۴۹.

^۳ . Behram Hasanov, Sovyet Kuşağından Sovyet Sonrası Kuşağına Azerbaycanda Din, Tez (Doktora), Marmara Üniversitesi, İstanbul, ۲۰۰۷, s. ۷.

^۴ . Oqtay Əfəndiyev, Azərbaycan Səfəvilər Dövləti, Bakı: Azərbaycan Dövlət Nəşriyyatı, ۱۹۹۳, s. ۴۹.

^۵ . Arif Yunusov, Azerbaycanda İslam, Bakı: Zaman, ۲۰۰۴, s. ۶۶-۶۷.

این وضع بعد از مدت کمی یکی از عوامل اصلی جنگ مذهبی در میان صفویان و دولت عثمانی که خود را نماینده و حامی تسنن می‌دانست، شد. فقط این مناقشه در سطح این دولتها نماند و رفته رفته تأثیر آن در میان مردم نیز نمایان شد. این دشمنی در میان اتباع دولت عثمانی و صفوی نیز ظاهر شده است. رفته رفته هم در آناتولی و هم در مناطق شمالی رود ارس در میان شیعیان و سنی‌ها برخوردهایی رخ می‌داد. وضعیت در این منطقه جدی‌تر بود. سنیها در قرن ۱۰ق/۱۶م با پشتیبانی دولت عثمانی در شیروان ضد فشارهای قزل باش‌ها و سیاستهای شیعی سازی قیام کردند.^۱ در این میان، رو در رو شدن لشکرهای مردم محلی و گاه گاه صدور فتوای تکفیری توسط علما خطاب به طرف مقابل^۲ با این که در میان مردم بذر دشمنی و عداوت می‌پاشید، اختلاف مذهبی را نیز روز به روز شدیدتر و عمیق‌تر می‌کرد. جنگ مذهبی در منطقه در اوایل قرن ۱۲ق/۱۸م به مرحله جدی‌تری قدم نهاد. قرار گرفتن دولت صفوی در وضعیت بحرانی، همچنین از دست دادن دولت مرکزی نظارت بر ایالتها را، برای سنی‌هایی که در طول سالهای دراز تحت فشارهای سنگین قرار گرفته بودند، یک فرصت مناسبی برای انتقام جویی به وجود آورد. آنها از این فرصت استفاده کرده و در سال ۱۷۲۱ م. در شهرهای شابران و شاماخی ضد شیعیان اقدام به قتل عام کرده و حدوداً ۴۰۰۰ نفر شیعه را کشته بودند.^۳

اوضاع دینی - سیاسی در دوره صفویه مناطق شمالی رود ارس را از لحاظ دینی، فرهنگی، سیاسی و غیره به دولت عثمانی سنی نزدیکتر کرده و منطقه از انحصار ایران در آمده بود. دیگر، همزمان با فرهنگ و تمدن ایرانی، آثار مهم تمدن عثمانی - ترک نیز خودش را ظاهر کرده بود. فقط اهمیت چند جانبه‌ای و استراتژیک منطقه بعدها باعث خواست حکمرانی قدرتهای مختلف بر این منطقه شده بود. از اوایل قرن ۱۲ق/۱۸م منطقه دریای خزر برای روسیه اهمیت بیشتری پیدا کرد.

۲,۱,۱ دوره خان نشین ها

در حدود اواسط قرن ۱۲ق/۱۸م همزمان با انحطاط حکومت مرکزی در ایران، در مناطق شمالی رود ارس دولتهای کوچک و مستقل زیادی - خان نشین ها - به وجود آمدند. هنگام تأسیس خان نشین‌ها محوریت بر روی منطقه در نظر گرفته شد و آنها با اسامی این مناطق نامگذاری شده بودند. این خان نشین ها که قدرت در آنها از طریق وراثتی به یکدیگر منتقل می‌شد، توسط رؤسای عشایر و قبایل معتبر و با نفوذ در منطقه خویش بنیان‌گذاری شده بود. برای مثال، خان نشین شکی را حاج چلبی خان از عشیرت "قارا کشیش"، خان نشین قره باغ را پناه علی خان از قبیله "جوانشیرلر"، خان نشین گنجه را شاه وردی خان زیاد اقلو از عشیرت "زیاد

^۱. Sözü gedən qiyamlarla əlaqədar bax: Əfəndiyev, a.g.e., s. ۷۷-۷۸; ۱۳۱-۱۳۹.

^۲. Yunusov, a.g.e., s. ۷۵, ۷۷.

^۳. A. Bakıxanov, Gülüstani-İrəm, Bakı: Möminin, ۲۰۰۱, s. ۱۴۶-۱۴۷; Yunusov, a.g.e., s. ۷۶-۷۷.

أقوللاری " بنا نهاده بود.

هر یکی از خان نشین‌ها نظام مالیاتی و واحدهای پولی و وزنی خود ویژه‌ای داشتند. ولی در همه خان نشین‌ها روابط و مناسبات مدنی، اداری و اجتماعی بر اساس شریعت و حقوق عرفی اداره و تنظیم می‌شد.^۱ این وضع در همه خان نشین‌ها یکسان بوده است. در تمامی منطقه از پیش یک طرز زندگی مشترکی - عُرف - وجود داشت. در نظام خان نشینی قدرت در دست خان (که امروزه به آن رئیس جمهور گفته می‌شود) بود. در خان نشین‌ها، علاوه بر شریعت اسلامی، عرف نیز یک ابزار مهمی برای تنظیم امور و روابط اجتماعی بوده است. خان‌ها فقط در مسائل عرفی صاحب اختیار بودند و بجز موارد استثنائی به امور دادگاه‌های شریعت مداخله نمی‌کردند.^۲

هرچند که باور اصلی مردم اسلام بوده است، ولی در عین حال در خان نشین‌ها مسیحیان و تعداد کمی از یهودیان نیز وجود داشته‌اند.^۳ در خان نشین‌هایی که با شریعت اسلامی اداره می‌شد، این اقلیتها مورد معامله اهل کتاب قرار گرفته بودند و هیچ مانعی برای ادامه پیدا کردن باورهای مذهبی و اجرای مراسم‌های آنها وجود نداشت.^۴

در دوره خان نشین‌ها آموزش در منطقه به طور کلی در مساجد و به طور خاص در خانه‌ها ارائه و عمدتاً علوم اسلامی خوانده می‌شد. مکتب‌ها مرحله اولیه تحصیلات دینی را تشکیل می‌داد. و اما مدارس برای فارغ التحصیلان مکتب و کسانی که ۱۶ سال داشتند، مرحله نهایی بود. کسانی که مایل به ادامه تحصیلات دینی خود در سطوح بالاتری بودند، شیعیان به مراکز علمی معتبر در عراق و ایران، همچنین سنی‌ها به مدارس عثمانی، به ویژه به مدارس استانبول و شام می‌رفتند. این وضع نشان دهنده روابط دینی- فرهنگی و حتی سیاسی در میان مردم منطقه با ایران و دولت عثمانی است، که این روابط را زنده نگه می‌داشت. تسمیه رجال مذهبی در خان نشین‌ها در میان سنی‌ها به "افندی" و در میان شیعیان به "آخوند" یکی از بارزترین نشانه‌های این روابط است.^۵

در دوره خان نشین‌ها، روابط در بین مذاهب جالب می‌باشد و در این دوره شاهد نرمش بیشتری هستیم. حوادث تلخ دیرین کاملاً فراموش نشده بود. فقط بجز موارد سوء تفاهم و اختلافهایی که گاه گاه اتفاق می‌افتاد، در منابع تاریخی هیچ جنگ مذهبی در میان شیعی و سنی به چشم نمی‌خورد. بر عکس، در این دوره بعضی از علمایی که مورد حمایت خان‌ها قرار گرفته بودند، برای تأمین تقریب و ایجاد وحدت بین شیعه و سنی چند تا

^۱ . Hüseyin Baykara, Azərbaycan'da Yenileşme Hareketleri, Ankara: Türk Kültürünü Araştırma Enstitüsü, ۱۹۶۶, s. ۱۲.

^۲ . Rəsul Hüseynli, Azərbaycan Ruhaniliyi, Bakı: Kür, ۲۰۰۲, s. ۲۰-۲۱.

^۳ . Muriel Atkin, The Khanates of the Eastern Caucasus and the Origins of the First Russo-Iranian War, Tez (Doktora), Yale University UMI (University Microfilms International), ۱۹۷۶, s. ۶۱.

^۴ . Muriel Atkin, a.g.e., s. ۷۰.

^۵ . Hasanov, a.g.e., s. ۱۱.

کتاب تألیف کرده بودند. برای مثال، ملا محمد ابن ملا نجف قلی بادکوبه ای که با فتحعلی خان، خان قبا روابط خیلی نزدیک و صمیمانه‌ای داشته است، در این راستا یک سری اقداماتی انجام داده بود.^۱ از طرف دیگر، در هیچ یکی از جنگها در میان خان نشین‌ها، نه تنها هیچ رنگ مذهبی و شعارهای دینی دیده نمی‌شد، بلکه شاهد برقراری یک اتحاد و روابط خویشاوندی در میان خان نشین‌هایی که منسوب به مذهب‌های متفاوتی بودند، می‌شویم.^۲ به عقیده عارف یونس اف، علت این نرمی در میان دو مذهب بیزاری از جنگهای مذهبی که بیش از دو قرن و نیم ادامه داشته و به وجود آمدن یک سیستم ایمنی در مردم در اثر این جنگهاست. از طرف دیگر به نظر یونس اف، دولتهای ایران و دولت عثمانی روزهای سختی در این دوره می‌گذراندند، و منطقه از دیدگاه این دو کشورکنار مانده بود و این وضع به نرم شدن روابط در میان این دو مذهب کمک می‌کرده و به نوبه خود تأثیر مثبتی در ترقی منطقه داشته است.^۳

بدون تردید، عوامل مزبور دارای اهمیت است. ولی چند عامل دیگری هم هست که باید به اینها اضافه شود. دولتهای عثمانی و صفوی دارای یک رسالت مذهبی بودند. دولت عثمانی آرزوی خلافت شدن برای عموم مسلمانان را داشت، اما دولت صفوی قصد داشت تا تشیع را که به عنوان اسلام واقعی قلمداد می‌کرد، به صورت حاکم در امت اسلامی در آورد. جنگ مذهبی در میان دولتهایی که دارای رسالت مذهبی باشند، طبیعی به نظر می‌رسد. ولی خان نشین‌هایی که در حدود اواسط قرن ۱۲ق/۱۸م در منطقه مورد بحث به وجود آمدند، یک چنین ادعا و یا رسالتی نداشتند. هرچند که در خان نشین‌ها قوانین اسلامی و دادگاه‌های شریعت دایر بود، ولی این موضوع کاملاً مرتبط با طرز زندگی مردم بوده، و گرنه به خاطر دارا بودن رسالت مذهبی خان نشین‌ها نبوده است. خان نشین‌ها در نتیجه ضعیف شدن دولت مرکزی به وجود آمده بودند و نه بر اساس یک رسالت دینی، بلکه بر محوریت منطقه‌ای بنیانگذاری شده بودند. و تسمیه خان نشین‌ها با عنوانهای منطقه‌ای به وضوح این نکته را نشان می‌دهد. قصد خان و خانواده او که طبقه حاکم در با نفوذترین قبیله و یا عشیرت منطقه خویش بودند، فقط حفظ قدرت، نگهداری و توسعه اراضی خود و قرار نگرفتن تحت نفوذ و زیر سلطه دیگران بود. و نیل به این هدف، یعنی ادامه دادن به اقتدار خود، آپورتونیسیم (سازشکاری) را ایجاب می‌کرد. پس از جنگهای مذهبی طولانی، آن هم با امکانات محدود اقدام نکردن آنها بر علیه یکدیگر برای اینکه با بخش عمده مردم منطقه درگیر و به ویژه با ایران و عثمانی دشمن نشود، بخوبی آشکار است. و الا خطر تبدیل شدن به ایالت یکی از این دو دولت (عثمانی و ایران) و همچنین مورد غضب خان نشین دیگر قرار گرفتن، وجود داشت. به دلایلی که بیان گردید، خان نشین‌های منطقه‌ای برای حفاظت از قدرت خویش بدون هیچ تبعیض

^۱. Bakıxanov, a.g.e., s. ۲۰۰.

^۲. Bünyadov, a.g.e., s. ۵۲۶, ۵۲۷.

^۳. Yunusov, a.g.e., s. ۸۰-۸۱.

مذهبی در میان خودشان یک اتحاد برقرار کرده بودند و در دوره‌های دشوار از یکدیگر حمایت می‌کردند.^۱ این اتحاد و حمایتها خان نشین‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کرد. و این نزدیکی تنها در سطح رؤسای دولت نمانده بود. زیرا خان و خانواده او که یک طبقه با نفوذ منطقه خود را تشکیل می‌داد، این موقعیت آنها همه اعضای قبیله را تحت تأثیر خود قرار می‌داد. و بدین وسیله، این نرمی در میان مذاهب را نه تنها عدم جنگ با رنگ و شعارهای مذهبی، در عین حال برقراری اتحادها تأمین کرده است. و یکی دیگر از عواملی که تساهل دینی را ایجاد می‌کرد، مختلط بودن جمعیت خان نشین‌ها از لحاظ مذهبی بوده است.^۲ اجرای سیاستهای دشمنی مذهبی در دولتی که جمعیت آن مرکب از پیروان مذاهب مختلفی بود، از لحاظ استمرار قدرت و ثبات کشور خیلی خطرناک بود. زیرا، در چنین صورت امکان مهاجرت مردم منسوب به مذهب مخالف به خان نشین‌های هم کیش خود وجود داشت.

علاوه بر عوامل مذکور یک عامل دیگری هم وجود دارد که در تشکیل ساختار روانشناسی اجتماعی مردم آذربایجان در دوره خان نشین‌ها نقش مهمی داشته است. و آن، این است که از اول دوره خان نشین‌ها در منطقه‌ای که در احاطه‌ی قدرتهایی مانند ایران، روسیه و دولت عثمانی قرار گرفته بود، حد اکثر سعی شده است که با دولت‌های مزبور روابط نرمالی از نظر رفتار برقرار شود و از موضع افراطی اجتناب کنند و نسبت به آنها یک سیاست کاملاً موازنه شده‌ای برقرار شود و در مقابل تهدیدهای خارجی در میان این قدرتها مانور داده و سعی کرده‌اند تا حتی الامکان استقلالشان را حفظ کنند.^۳ موقعیت آذربایجان در اینجا موجب اجتناب از افراط گرایی و اجرای خط سیاسی سازشکاری شده است. و این، صرفاً واکنشی برای حفاظت از قدرت نبوده است. ضمناً، فرهنگی که در حال تشکل بود، نیز با این وضع در حال یک هماهنگی بوده و به آن مشروعیت بخشیده است. آذربایجان در واقع تحت تأثیر فرهنگهای مختلفی قرار گرفته بود. علاوه بر اقلیتهای قومی، فرهنگ ایرانی و عثمانی، همچنین فرهنگ روسی و اروپا نیز بر روی این منطقه تأثیرگذار بوده است. بعضی از مواد خام که در منطقه تولید می‌شد، به ویژه ابریشم خام برای روسیه و کشورهای اروپایی در صنعت پارچه خیلی اهمیت داشت. افزون بر این، سواحل دریای خزر و شرق قفقاز به لحاظ اینکه یک کریدور تجاری در میان هندوستان و غرب، همچنین در میان آسیا و اروپا بود، برای روسیه اهمیت ویژه ای داشت.^۴ روابط تجاری با این کشورها، پیشرفت صنعت و توسعه روابط در دوره‌های بعدی این منطقه را نسبت به افکار و اندیشه‌های اجنبی، و به ویژه اروپا به حالت باز در آورده است. برخورد با فرهنگهای مختلف و متفاوت، مردم عادی و

^۱ . Ahmed-Bey Cavanşir, Karabağ Hanlığının Tarihi, (çev. E. B. Şükürzade, Yusuf Gedikli), İstanbul: Türkmenistan Türkleriyle Dayanışma Demeği, ۱۹۹۳, s. ۳۴; Azərbaycan Tarixi, (haz. Heyət), Bakı: Elm, ۱۹۹۹, Cild ۳, s. ۴۲۹.

^۲ . Bakıxanov, a.g.e., s. ۲۵.

^۳ . Z. Bünyadov, a.g.e., s. ۵۰۱; Ahmed-bey Cavanşir, a.g.e., s. ۳۱-۳۲; ۳۳-۳۴; ۴۸-۵۲.

^۴ . Atkin, Rusiyanın Qafqaza marağının artmasında bu cür iqtisadi çıxarların önəmli olduğunu irəli sürməkdədir. Ətraflı məlumat üçün bax: a.g.e., s. ۱-۲; ۳۱۶.

روشنفکران را تحت تأثیر خود قرار داده بود. و این وضع، مؤثر در ایجاد و تشکیل اِکلیکتیسم - (مشرَب) التقاط - در منطقه بوده و در تقویت حاکم در آمدن آن در صحنه سیاست و سایر رشته‌های زندگی در شرایط مخصوص به منطقه نقش مهمی ایفا کرده است. و بدین طریق، اِکلیکتیسم رفته رفته تبدیل به یکی از خصوصیات منطقه شده است. ناگفته نماند که این، به این معنی دلالت نمی کند که اِکلیکتیسم، خصوصاً اِکلیکتیسم مذهبی تماماً در جامعه حاکم بوده و مردم نسبت به فرهنگهای خارجی بصورت تام باز بوده‌اند. اینها هنوز یک آغاز بود و بدون مرز هم نبوده است.^۱

۲،۱ مدرنیسم و دین

۱،۲،۱ سلطه روسیه تزاری و تنظیمات سیاسی جدید

استقلال خان نشین‌هایی که در حدود اواسط قرن ۱۲ق/۱۸م به وجود آمدند، خیلی طول نکشید. اهمیت تجاری- اقتصادی و نظامی- استراتژیک منطقه مورد بحث علاقه روسیه را که قدرتمندترین دولت منطقه در آن زمان بود، افزایش می داد. و در نتیجه این علاقه، روسیه حرکت اشغالی خود را که در اوایل قرن ۱۳ق/۱۹م نسبت به منطقه آغاز کرده بود، به سرعت به پایان رساند و این اشغال را در سال ۱۸۲۸ میلادی با قرارداد "ترکمن چای" که با ایران منعقد کرده بود، به رسمیت رسانید. طبق شروط قرارداد، مناطق شمالی رود ارس زیر سلطه روسیه قرار گرفت. این موضوع به این معنی نیست که روابط این منطقه با ایران و دولت عثمانی قطع شد. ولی در عین حال، پس از انعقاد این قرارداد، منطقه‌ای که امروز به عنوان جمهوری آذربایجان شناخته می‌شود، تحت سلطه روسیه یک مسیر متفاوتی از مناطق جنوبی رود ارس طی خواهد نمود. از این به بعد، در مسیری که منطقه طی خواهد کرد، عوامل مختلفی در تعیین سرنوشت آن مؤثر خواهد بود. قرار گرفتن منطقه در احاطه دولتهای روسیه، ایران و عثمانی، حرکت‌های تجدد طلبی که از اواسط قرن ۱۳ق/۱۹م شروع به اظهار نشانه‌های خود در آذربایجان کرده بود، از قرن ۱۹ میلادی کوچ کردن روسها و بخصوص ارمنه به این منطقه، فشار روس-ارمنی، از دهه ۷۰ تبدیل شدن باکو به یکی از مراکز نفت خیز جهان، و بی شک، اقدامات دینی، فرهنگی، گروهی و اجتماعی ای که در دوره مورد نظر در آذربایجان صورت گرفته بود، از مهمترین این عوامل هستند.^۲

از روز اشغال، روسیه نسبت به آذربایجان دو خط سیاسی متفاوتی که گاه گاه جایگزین یکدیگر شده، بر این منطقه دنبال کرده است. خط سیاسی اول بصورت عمل گرایانه مبتنی بر مدیریت نیمه مستقل و مطابق با رسوم و مقتضیات محلی منطقه بوده است، اما خط سیاسی دوم به صورت افراطی تبدیل به مرکزیت‌گرایی

^۱. Hasanov, a.g.e., s. ۱۶.

^۲. Hasanov, a.g.e., ۱۷.

شده و رفته رفته بر ضرورت روسی سازی مردم منطقه تأکید کرده است.^۱ در اوایل ورود روسیه به این منطقه، خط سیاسی اول دنبال شده است. رژیم خان نشین های قره باغ، شکی و شاماخ که مدیریت روسیه را را بدون هیچ مقاومتی قبول کردند، عینا حفظ شد. ولی مدیریت خان نشینی در خان نشین های گنجه، باکو و قبا که ضد سپاه روسی مقاومت کرده بودند، الغاء گردید. فقط آن خان‌هایی که توانسته بودند بر مسند قدرت بمانند، آنها نیز بزودی عزل شدند. در سالهای ۱۸۲۶-۱۸۱۹ م. رژیم خان‌نشینی در خان نشین‌های شکی، شاماخ، قره باغ و لنکران برداشته شد و در آذربایجان "فرمانداری مناطق اسلامی" که مرکز آن شهر شوشا بود، تأسیس گردید. علی رغم این تغییرات، سیستم مدیریتی عینا حفظ شده بود، تنها چیزی که تغییر یافته بود سر کار آمدن نظامیان روسی به جای خان‌ها بود. روسها دادگاه‌های شریعت را نگه داشتند. فقط در بعضی جاها با ریاست نظامیان روسی دادگاه‌های مدنی تأسیس گردید.^۲ بر خلاف همه اقداماتی که برای حفظ نظام سابق انجام داده شد، مردم منطقه از رژیم نظامی جدید خوشحال نبودند. در میان سالهای ۱۸۴۰-۱۸۳۰ م. در آذربایجان بصورت متوالی قیام‌هایی سر زد. بزرگترین آنها در سال ۱۸۳۷ م. در رابطه با حرکت مریدیسم و شیخ شامل (قفقاز شمالی) سر زده بود. با دعوت شیخ شامل در قبا ۱۲۰۰۰ نفر برای مقابله با کفار شورش کرده بودند.^۳ جالبترین این شورشها قیام‌های ایلوسو و شوشا بود که پس از پیروزی شیخ شامل که در سال ۱۸۴۴ م. بدست آورده بود، بوجود آمد تا در تمامی منطقه گسترش یابد. آن چیزی که در این قیامها جالب توجه است، این است که سازمان دهنده گان قیام قاضی شکی عبد اللطیف افندی سنی و قاضی شوشا میرزا ابو القاسم شیعی بوده است. در این قیام بعضی از بیگ و خان‌هایی که فرمان روایان قبلی منطقه بوده، نیز شرکت کرده بودند.^۴ ولی این قیام‌هایی که نشانه بارز نارضایتی مردم از فرمان روایی روسها بود، گسترش نیافته و نتوانسته بود پیروز شود. در دوره های بعدی فرو نشانده شدن قیام شیخ شامل، چنین تصویری را به وجود آورد که روش شورش امیدوار کننده نیست.

و اما در مورد روابط در میان مذاهب، قبل از هر چیزی باید عواملی را که در این روابط تأثیر گذار بوده است، در اینجا ذکر کرد. سیاستهای روسیه تزاری دیگر در سالهای اول موجب ناراحتی در میان مردم شد. خصوصا سیاستهای (مربوط به) جمعیت نگاری سبب به نارضایتی‌های بزرگی شد و مشکلات زیادی را به وجود آورد. در میان شروط پیمان نامه‌ای که با ایران منعقد شده بود، کوچ دادن مسیحیانی که تحت فرمان روایی ایران زندگی می‌کردند، به روسیه نیز وجود داشت. در چهارچوب این قرارداد در سال ۱۸۲۸ م. از ایران حدودا

^۱. Tadeuz Swietochowski, Müsülman Cemaatten Ulusal Kimliğe Rus Azerbaycan'ı ۱۹۰۵-۱۹۲۰, (çev. Nuray Mert), İstanbul: Bağlam, ۱۹۸۸, s. ۳۰.

^۲. İlqar Əliyev, Azərbaycan Tarixi, Bakı: y. y., ۱۹۹۳, s. ۲۰۵-۲۰۶.

^۳. Swietochowski, Müsülman Cemaatten Ulusal Kimliğe Rus Azerbaycan'ı ۱۹۰۵-۱۹۲۰, s. ۲۷.

^۴. Hüseyinli, a.g.e., s. ۷۲-۷۸.

۴۰۰۰۰ نفر ارمنی را به مناطق ایروان، نخچوان و قره باغ آذربایجان کوچ دادند.^۱ ارامنه به آذربایجان تنها از ایران کوچ داده نمی شدند. در سال ۱۸۲۸-۲۹ م. از آناتولی شرقی ۲۱۶۶۶ نفر ارمنی به آذربایجان کوچ داده شده بود. و در اثر این کوچ ها، طبق آمار سال ۱۸۲۶ م. ارامنه در خان نشین های ایروان و نخچوان ۲۰٪ جمعیت را تشکیل می دادند، ولی در سال ۱۸۳۲ م. این رقم تا ۵۰٪ افزایش یافته بود. افزایش در صد حضور جمعیت ارمنی در این مناطق بعد از کوچ ارامنه از خاک عثمانی به این جاها پس از جنگ عثمانی-روس در سالهای ۱۸۵۶-۱۸۵۵ م. و ۱۸۷۸-۱۸۷۷ م. صورت گرفته است.^۲

سیاست کوچ روسها تنها با این محدود نبوده است. در اوایل اشغال در آذربایجان فقط آن روسها زندگی می کردند که وظایف دولتی داشتند، در حالیکه در دوره های بعدی شروع به کوچ دادن اتباع روسی به منطقه کردند. دیگر در سال ۱۹۱۲ م. ۱۳۶ منطقه مسکونی (روستا، قصبه و شهرک) وجود داشت که از آن روسهایی بود که به آذربایجان کوچ داده شده بودند.^۳ روسها اساسا در مرز با ایران اسکان داده می شدند، در حالیکه به ارامنه معمولا در مرز آناتولی جا می دادند.

در زمینه کوچانده شدن روسها به آذربایجان، اعطای اراضی مسلمانان به روسها، به وجود آمدن کینه بین ارامنه و مسلمانان و به ویژه ترکهای آذربایجان، در مقابل فشار و تحمیلات مسیحی - روسی و ارمنی - که همزمان باشعور ملی، شعور اسلامی و همبستگی داخلی را نیز تقویت می کرد، شاهد یک نزدیکی در میان مذاهب هستیم.

فریدریخ بادنستدت - شرق شناس معروف آلمانی که در اواسط قرن ۱۳ ق/۱۹ م در آذربایجان بوده، طبق مشاهدات عینی خود چنین گزارش می کند که اختلافهای دیرینه سنی - شیعه در زمینه خصومت مردم نسبت به روسها رفته رفته کاهش می یافت.^۴

علاوه بر فشارهای روسی - مسیحی، یک عامل مهم دیگری نیز وجود دارد که این دو مذهب را به یکدیگر نزدیک می کرد. و آن هم به سرعت توسعه یافتن طریقت نقشبندیه - خالديه در بخش شمالی آذربایجان که اساسا سنی بوده اند، است. نام کلیدی در توسعه طریقت مذکور در آذربایجان شیخ اسماعیل شیروانی الکوردمیری، خلیفه شیخ خالد بوده است. شیروانی که در آذربایجان شهرت فراوانی داشته، نه تنها در آذربایجان، همچنین در آسیای مرکزی، افغانستان و قفقاز شمالی نیز طرفداران زیادی را جمع کرده بود. شیخ شیروانی احیا و تجدید تفکر برتری اسلام و جهاد با دشمنان اسلام را بزرگترین و مهمترین وظیفه مسلمانان

^۱ . Kemal Beydilli, ۱۸۲۸-۱۸۲۹ Osmanlı-Rus Savaşında Doğu Anadoludan Rusya'ya Göçürülen Ermeniler, Ankara: Türk Tarih Kurumu, ۱۹۸۸, s. ۳۶۸, ۳۷۰.

^۲ . B. Hasanov, a.g.e, s. ۱۱-dən nəqlən, George Bournoutian, "The Ethnic Composition and the Socio-Economic Condition of Eastern Armenia in the First Half of the Nineteenth Century", Roland Grigor Suny (ed.), Transcaucasia, Nationalism and Social Change, Ann Arbor: The University of Michigan Press, ۱۹۸۳, s. ۷۸-۸۰.

^۳ . Türyan Əzizov, Azərbaycan XX əsrin əvvəllərində, Bakı: Zaman, ۱۹۹۷, s. ۳۷-۳۸.

^۴ . B. Hasanov, a.g.e., s. ۲۲-dən nəqlən, G. Jaeschke, "Azerbaycan Hakkında Almanca Neşriyyatdan (۱)", Azerbaycan Yurt Bilgisi, İstanbul, ۲۵ (۱۹۳۴), s. ۲۸

برای آن دوره می‌دانست و برای نیل به این هدف، مسلمانان را به خاتمه دادن به اختلافات داخلی خود و برقراری اتحاد و ایجاد وحدت علیه تهدید روسی دعوت می‌کرد.^۱

حمزه نگاری (۱۸۸۶-۱۸۰۵) که خلیفه شیخ اسماعیل شیروانی بوده، در بخش غربی آذربایجان خیلی معروف بوده است. نگاری که سنی بود، بصورت مداوم بر وحدت سنی و شیعه تأکید می‌کرد. حتی آن قدر بر این امر اصرار کرده بود که بعداً او را از آماسیا که به آنجا مهاجرت کرده بود، با ترس از اینکه قیام قزل باشی خواهد کرد، به هارپوت تبعید نمودند.^۲

موضع شیخ شیروانی و حمزه نگاری به عنوان شخصیت‌های کلیدی در جهان طریقت در آذربایجان از یک سو، عشق و دوستی ارباب تصوف نسبت به اهل بیت پیامبر اسلام (ص) از سوی دیگر، گرم شدن روابط در میان این دو مذهب را تأمین کرده است. فقط حکومت تزار هم به نوبه خود اقدام کردن برای پیش‌گیری از نتایج منتظره این وضع را فراموش نکرده بود.

۲،۲،۱ رفرمهای دینی و نتایج آن

روسها با مسئله اسلام و مسلمانان از دوران قدیم رو به رو شده بودند. بعد از اشغال خان نشین‌های قازان و هشترخان در اواسط قرن ۱۰ ق/۱۶ م تشخیص و تعیین نحوه رفتار نسبت به دین اسلام و پیروان آن به یک جزء تفکیک ناپذیر سیاست داخلی امپراطوری روسیه تبدیل شده بود. پس از اشغال سرزمینهای جدید، دولت تزاری در مرحله اول شروع به اعمال سیاست مسیحی سازی جمعیت مسلمان سرزمینهای اشغال شده کرد. رژیم تزاری به فتوادل‌های تاتاری که به پذیرفتن مسیحیت تن دادند، امتیازات بزرگی می‌داد، از لحاظ حقوق آنها را با اعیان روسی مساوی می‌گرفت و حتی به آنها املاکی در استانهای مرکزی روسیه اعطا می‌کرد. حکومت تزار فعالیت روحانیون مسیحی را در میان تاتارها به حالت رسمی در آورده بود. در دوره تزاری فتودور پسر ایوان گروزی در مورد تخریب مساجد مسلمانان فرمان خاصی داده شده بود.

موضع خشن رژیم تزاری قبل از همه چیز مرتبط با ملاحظات سیاسی بود. زیرا، اسلام ایدئولوژی مردم مناطق اشغال شده بود و روحانیون مسلمان قادر به تشویق و ترویج اعتراضات، نارضایتی و حرکت سیاسی علیه امپراطوری روسیه بودند. از این رو، تزاریسم در وهله نخست متزلزل ساختن این قوه را ضروری می‌شمرد. به همین دلیل، مأمورین دولت تزار و میسیونرهای مذهبی در عرض دو سده با استفاده از تمامی طرق ممکن سعی کرده‌اند که مسلمانان را مسیحی کنند. عملیات مسیحی سازی تاتارها، باشقردها و دیگر اقوام مسلمان در دوران تزاریتزا الیزاوتا (۱۷۶۱-۱۷۴۱) با خشونت و در مقیاس وسیعی صورت گرفته است. در نتیجه کوششهای

^۱. Anna Zelkina, In Quest for God and Freedom: the Sufi Response to the Russian Advance in the Norton Caucasus, London: Hurts and Company, ۲۰۰۰, s. ۱۰۰-۱۰۲.

^۲. Divan-i Seyyid Nigari, (haz. Kurtuluş Altunbaş), Samsun: (y.y), ۲۰۰۴, s. XII-XIII